



روز مادر

، نمودی از عمری در خدمت مادر

عبدالکریم پاک نیا

است.» و در جمله‌ای دیگر فرمود:
«تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ رَوْضَةٌ مِینَ رِیَاضِ
الْجَنَّةِ؛ جای قدمهای مادران باغی از
باغهای بهشت است.»

این سخنان گهربار رسول بزرگوار
اسلام ﷺ نهایت درجه تکریم مادر
است. یعنی هر کس بخواهد به
عالی‌ترین مقامات انسانی دست یابد،
باید مادر خود را مورد احترام و محبت
قرار دهد.

در مورد مقام ارجمند مادر،
مطالب فراوانی در سیره و سخن اهل
بیت ﷺ می‌توان یافت. در اینجا به

روز بیستم جمادی الثانی مطابق با
ولادت اسوه مادران عالم، حضرت
فاطمه زهرا علیها السلام و روز مادر و تکریم از
شخصیت والای این موجود مقدس
می‌باشد. به همین مناسبت در این
نوشتار نگاهی کوتاه به مقام و منزلت و
حقوق مادر در فرهنگ و اندیشه قرآن
و اهل بیت علیهم السلام خواهیم داشت.

منزلت مادر

مادر از نظر فرهنگ اسلام دارای
جایگاه ویژه‌ای است. رهبر عالیقدر
اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله در یک
جمله زیبا مقام و منزلت حقیقی مادر را
چنین بیان می‌کند: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ
الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۱.

چند مورد اشاره می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به حضور رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده و عرضه داشت: ای رسول خدا! به کدامیک از بستگانم نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. مرد پرسید: بعد از آن؟ فرمود: به مادرت. برای بار سوم پرسید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مادرت. در نوبت چهارم حضرت فرمود: به پدرت نیکی کن!^۱

از امام سجاده علیه السلام روایت شده است که فرمود: مردی به حضور حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و اظهار داشت: ای رسول خدا! من مردی گنه‌کار و آلوده به معصیت هستم و از انجام هیچ گناهی فروگذاری نکرده‌ام، آیا امید آمرزش برایم هست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: آیا پدر و مادرت زنده هستند؟ مرد گفت: فقط پدرم زنده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برو با او خوشرفتاری کن. آن مرد رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رفتن او زیر لب زمزمه می‌کرد که: ای کاش مادرش زنده بود!^۲

روزی شخصی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! مادرم پیر شده و پیش من زندگی می‌کند، او را در پشت خود حمل کرده، برای رفع حوائجش به این طرف و آن طرف می‌برم، و از درآمد خویش نیازهای وی را تامین می‌نمایم، با دست خود او را از آزار و اذیتها محافظت می‌کنم، با کمال ادب و تعظیم و احترام با او رفتار می‌نمایم. آیا زحمات وی را تا حدودی جبران کرده‌ام؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه، زیرا شکم او جایگاه تو، پستانهایش منبع تغذیه تو، قدمهایش وسیله حرکت تو، دستهایش محافظ تو، و آغوش او گهواره‌ات بوده است. او این همه خدمات را با رضایت خاطر برای تو انجام می‌داد و آرزو می‌کرد که تو زنده بمانی؛ ولی تو خدماتی را به وی ارائه می‌دهی، در حالی که انتظار مرگ او را داری.^۳

مادر یک مسیحی

زکریا بن ابراهیم یکی از محدثین

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۳. همان.

شیعی و از یاران امام صادق علیه السلام است. او در شرح حال خود می‌گوید: من مسیحی بودم و سپس به اسلام گرویدم و به خانه خدا مشرف شدم. در سفر حج، به محضر امام صادق شریفیاب گشته و به حضرت عرض کردم که من مسیحی بوده‌ام و مسلمان شده‌ام.

امام علیه السلام پرسید: در اسلام چه امتیازی دیدی که آن را پذیرفتی؟ گفتم: این آیه قرآن توجه مرا جلب کرده و توسط آن هدایت شدم: «مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ»؛ «تو نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست، ولی ما آن را نوری قرار دادیم که هر که را خواهیم بدان هدایت کنیم.»

امام علیه السلام فرمود: خدا تو را به اسلام هدایت نموده و قلبت را به نور آن روشن ساخته است. سپس برای من دعا کرد و هدایت بیشتری را از خداوند برایم مسئلت نمود.

به امام عرض کردم: پدر و مادر و بستگان من در آئین مسیحیت باقی هستند و مادرم نابینا است. آیا برای من جایز است که با آنها زندگی کنم و

روابطی داشته باشم؟

امام پرسید: آیا آنها گوشت خوک می‌خورند؟
گفتم: نه.

فرمود: معاشرت تو با آنها بی مانع است. سپس اضافه کرد: دربارهٔ مادرت مراقب باش. به او نیکی و احسان کن و هرگاه زندگی‌اش به پایان رسید و از دنیا رفت، خودت عهده‌دار کفن و دفن او باش.

چون از سفر حج برگشتم و به کوفه رسیدم، بر طبق فرمان امام صادق علیه السلام، خوشرفتاری و مهربانی زیادی به مادرم نمودم. خودم به او غذا می‌دادم و لباسش را مرتب می‌کردم و سرش را شانه می‌زدم و عهده‌دار خدمتش می‌شدم. مادرم که این تغییرات را در روش من دید، گفت: تو در آن روزگاری که به دین من بودی، با من این‌طور رفتار نمی‌کردی، چه دلیلی دارد که از وقتی که به اسلام گرویده‌ای، این قدر به من محبت می‌کنی؟

گفتم: یکی از فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور داده که این‌گونه رفتار

کنم.

گفت: آیا او همان پیامبر شما

است؟

گفتم: نه بعد از پیامبر ما پیامبر دیگری مبعوث نخواهد شد و او پسر پیامبر ماست.

گفت: این دستورات، از آموزه‌های پیامبران است و دین تو از دین من بهتر است، مرا راهنمایی کن تا مسلمان شوم. من طریقه اسلام را به او آموختم و او مسلمان شد. نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را خواند و در نیمه شب کسالتی پیدا کرد. من در کنار بسترش به پرستاری پرداختم. به من گفت: پسر! اعتقادات اسلام را دوباره برایم تکرار کن، من تکرار کردم و او به همه آنان اقرار کرد و در همان شب چشم از جهان فرو بست. بامداد روز بعد جنازه‌اش به وسیله گروهی از مسلمانان و مطابق آئین اسلامی تشییع شد و من بر جنازه او نماز خواندم و با دست خود به خاک سپردم!

حقوق مادر

از نگاه و حیانی اسلام، همچنانکه فرزندان بر والدین حقوقی دارند، پدر

و مادر نیز حقوقی بر گردن فرزندان‌شان دارند.

امام سجاد علیه السلام با توجه به نقش

حیاتی مادر در پرورش و رشد فرزندان، به حقوق اساسی مادر اشاره کرده و فرزندان را اکیداً به رعایت آن سفارش می‌کند: «وَأَمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَغْطَتْكَ مِنْ نَمْرَةٍ قَلْبِهَا مَا لَا يَغْطِي أَحَدٌ أَحَدًا، وَوَقَّتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَكَمْ تَبَالٍ أَنْ تَجُوعَ وَتُطْعِمَكَ وَتَغْطِشَ وَتَنْسِقِبَكَ وَتَعْرِئَ وَتَكْسُوكَ وَتَضْحَى وَتُظَلِّكَ وَتَهْجِرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَوَقَّتَكَ الْحَرَّ وَالْبَرْدَ لِيَتَكُونَ لَهَا وَأَنَّكَ لَا تُطَبِّقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَتَوْفِيقِهِ؟^۱ حق مادرت آن است که بدانی، او تو را حمل کرد به گونه‌ای که هیچ کس، دیگری را چنین حمل نمی‌کند و از شیر جانش به تو بخشید که هیچ کس به دیگری نمی‌بخشد. و با تمام وجودش از تو نگهداری کرد و برایش مهم نبود که خودش گرسنه بماند و به تو غذا بدهد، خود تشنه باشد و به تو آب بیاشامد، خودش

۱. اصول کافی، باب البر بالوالدین، حدیث ۱۱.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۱؛ امالی صدوق، ص ۳۷۱.

مشکل، اما باید تا حدّ توان در این زمینه تلاش نمود. در اینجا به مهمترین حقوق مادر اشاره می‌کنیم:

۱. نیکی و احسان

خداوند متعال در قرآن کریم با اشاره به مقام بلند پدر و مادر، از زبان حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «وَبِرَّأِ بِسْوَآلِدَتِي وَكَمْ يَجْعَلُنِي جَبَّارًا شَقِيًّا»؛ «خداوند مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و جبار و شقی نگردانید.»

از این آیه ظاهر می‌شود که نیکی به مادر از عادات پسندیده پیامبران و اولیاء الهی است و کسانی که این حق مادر را رعایت نکنند جبار و شقی خواهند بود.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِأَلْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِنَّمَا يُبَلِّغُنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيماً»؛ «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها،

برهنه باشد و به تو لباس بپوشاند، خودش در مقابل آفتاب باشد و تو را زیر سایه نگهدارد، از خواب خود به خاطر تو چشم بپوشد. او تو را از گرمای تابستان و سرمای زمستان حفظ کرد. [مادر همه این رنجها را تحمل کرد،] تا تو برای او باشی. تو توانایی شکرگزاری از مادرت را نداری، مگر با یاری و توفیق خداوند متعال.»

امام سجاده علیه السلام در عمل نیز چنین بود و با مادرش خوشرفتاری کرده و حقوق وی را کاملاً مراعات می‌نمود. طبرسی می‌نویسد: هنگامی که از آن حضرت پرسیدند: تو که از نیکوکارترین مردم نسبت به مادرت هستی، چرا با او سر یک سفره نمی‌نشینی؟ امام فرمود: «أَخَافُ أَنْ يَسْبِقَ يَدِي إِلَىٰ مَا سَبَقَتْ عَيْنُهَا إِلَيْهِ فَاكُونَ قَدْ عَقَفْتُهَا!»؛ می‌ترسم دستم به غذایی پیشی گیرد که پیش از آن چشم مادرم به سوی آن رفته [و می‌خواهد بردارد] و به همین مقدار نافرمانیش کرده باشم.»

آنچه از روایات برمی‌آید این است که جبران زحمات مادر و بجای آوردن حقوق او کاری است بس

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۲۱.

۲. مریم/۳۲.

۳. اسراء/۲۳.

نزد تو به سن پیری رسیدند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و آنها را از خود مران و بزرگوارانه با آنها سخن بگو! خداوند متعال در جای دیگری نیکی به پدر و مادر را بعد از اقرار به توحید قرار داده و فرمود: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۱؛ «و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را [همتا و] شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید.»

بنابراین رعایت مقام و منزلت معنوی مادر و رعایت حقوق وی که از جمله آنها نیکی کردن به او در هر حال می باشد، در مرتبه ای بعد از اطاعت و عبادت خداوند قرار دارد و این هشدار تکان دهنده ای است به فرزندان که هنوز مقام و منزلت حقیقی والدین را نشناخته اند و آنان را به عنوان خادمان خود می پندارند.

ابی ولاد حنات از امام صادق علیه السلام پرسید: خداوند متعال که در قرآن می فرماید: ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ چه معنی دارد و چگونه می توان به والدین نیکی نمود؟ امام فرمود: احسان این است که با آنان نیک رفتار باشی، آنان را

مجبور نکنی که نیازهای خود را از تو درخواست کنند، گرچه غنی باشند. از حال و روزگار آنان، مشکلاتشان را درک کنی و در مواقع لزوم آنان را دریابی! آیا خداوند نمی فرماید: به مقام نیکوکاران نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق بکنید؟ سپس امام علیه السلام افزود: «اگر آنان به سن پیری رسیدند، کمترین اهانت و آزاری به آنان روا مدار و بر سر آنان فریاد نزن، با نگاههای مهرآمیز و رأفت انگیز دل آنان را به دست آور و هیچگاه صدای خود را بالاتر از صدای پدر و مادر نکن و دست خود را بالای دست آنان قرار نده و گامهای خود را از قدمهای آنان جلوتر منه.»^۲

۲. قدرشناسی

فرزندان پاک و شایسته و سعادت مند پیوسته از مادر خود قدردانی می کنند. آنان هیچگاه زحمات و رنجهای مادر، در دوران کودکی شان را فراموش نمی کنند. خداوند متعال حق شناسی از پدر و

۱. نساء/۳۶.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۴۰.

رعایت مقام و منزلت
 معنوی مادر و رعایت حقوق
 وی که از جمله آنها نیکی
 کردن به او در هر حال
 می‌باشد، در مرتبه‌ای بعد از
 اطاعت و عبادت خداوند
 قرار دارد و این هشدار
 تکان دهنده‌ای است به
 فرزندان که هنوز مقام و
 منزلت حقیقی والدین را
 نشناخته‌اند و آنان را به
 عنوان خادمان خود
 می‌پندارند.

مادر را در کنار شکرگزاری از نعمات
 خویش مورد سفارش قرار داده و
 می‌فرماید: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ»؛
 «شکر مرا بجا آور [که خالق و منعم
 اصلی تو هستم] و از پدر و مادرت
 قدردانی کن.»

در مورد قدردانی از زحمات
 طاقت فرسای مادر، سخنان فراوانی در
 کتابهای اخلاقی، ادبی و تاریخی آمده
 است. شایسته است جوانان و
 نوجوانان مسلمان، در همه وقت،
 بویژه در روز مادر به عنوان تقدیر و
 تشکر از مادرشان به هر شیوه که
 می‌توانند از آنان تجلیل کنند و همانند
 کسانی نباشند که مهر بی‌کران مادر را
 فراموش کرده و با شیوه‌های ناپسندی
 با آنان برخورد می‌کنند.

سعدی در گلستان می‌نویسد:
 «وقتی به جهل جوانی، بانگ بر مادر
 زدم، دل آزرده به کنجی نشست و
 گریان همی گفت: مگر خردی
 فراموش کردی که درشتی می‌کنی؟»
 چه خوش گفت: زالی^۲ به فرزند خویش
 چو دیدش پلنگ افکن و پیلتن
 گراز عهد خردیت یباد آمدی
 که بیچاره بودی در آغوش من
 نکردی در این روز بر من جفا
 که توشیر مردی و من پیرزن
 هنگامی که از رسول گرامی

۱. لقمان/۱۴.

۲. پیرزن.

أَبَا مَهْرَمَ مَا لَكَ وَالْخَالِدَةَ أَغْلَظْتَ فِي كَلَامِهَا
الْبَارِحَةَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بَطْنَهَا مَنْزِلٌ قَدْ سَكَنْتَهُ وَ
أَنَّ حِجْرَهَا مَهْدٌ قَدْ عَمَّرْتَهُ وَكُذِبَهَا وَعَاءٌ قَدْ
سُرِبَتْهُ... فَلَا تُغْلِظْ لَهَا؛ ای پدر مهزم! تو با
خالده (نام مادر مهزم) چه کردی؟ آیا
در سخن دیشب او درستی کردی؟ آیا
نمی‌دانی شکم او مدتها منزل و
آغوشش گهواره و سینه‌اش ظرف
غذای تو بوده است؟... دیگر با او
درستی مکن.^۲

۳. نگاه مهرآمیز

ابوذری می‌گوید: از رسول گرامی
اسلام شنیدم که فرمود: «النَّظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ
وَرَحْمَةٍ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ فِي الصَّحِيفَةِ - يَعْنِي
صَحِيفَةَ الْقُرْآنِ - عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْكُتُبِ
عِبَادَةٌ»؛ نگاه به علی بن ابیطالب عبادت
است. نگاه مهرآمیز به پدر و مادر
عبادت است. نگاه به صحیفه - یعنی
صحیفه قرآن - عبادت است. نگاه به
کعبه عبادت است.^۱

کسی که به پدر و مادر خود

اسلام ﷺ در مورد قدردانی از مادر
سؤال شد، آن حضرت فرمود:
«هیئات! هیئات! که بتوانی حق مادر را
ادا کنی. هر آینه اگر به اندازه ریگهای
بیابان عالچ [صحرائی در عربستان] و
دانه‌های باران به مادر خدمت کنی و از
وی قدردانی کرده و بنده‌وار در پیش او
بایستی، این همه خدمات تو به اندازه
زحمات وی در هنگامی که در رحم او
بودی و سنگینی تو را تحمل می‌کرد
نخواهد بود.»^۱

یکی از مصادیق قدرشناسی در
مورد مادر این است که انسان نسبت به
او درستی نکند و همواره در جلب
رضایت او تلاش نماید.

ابراهیم بن مهزم می‌گوید: روزی
در مدینه از نزد امام صادق ع بیرون
آمدم و به خانه‌ام رفتم. در آن هنگام
مادرم با من زندگی می‌کرد. در خانه، به
خاطر موضوعی با مادرم مجادله کرده
و سخنان درشت و تندی به وی گفتم.
فردای آن روز بعد از ادای نماز صبح،
دوباره به محضر امام صادق ع مشرف
شدم. هنگام ورود بدون آنکه حرفی
زده باشم، امام با عتاب به من فرمود: لایا

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۰۵.

خدمت کند و آنان را در آغوش پرمهر خانواده‌اش جای دهد و با چهره‌ای گشاده و بشاش با آنان رفتار نماید، برای هر نگاه محبت‌آمیزش ثواب حج نوشته می‌شود. حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در سخنی نویدبخش چنین فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْظُرُ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظْرَ رَحْمَةِ الْأَكْتَبِ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ، قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَ إِلَيْهِ فِي النَّيِّومِ مِائَةَ مَرَّةٍ قَالَ وَإِنْ نَظَرَ إِلَيْهِ فِي النَّيِّومِ مِائَةَ أَلْفِ مَرَّةٍ؛ هیچ کسی به سیمای پدر و مادرش نگاه محبت‌آمیز نمی‌کند، مگر اینکه خداوند متعال در مقابل هر نگاه او ثواب یک حج قبول شده به وی عطا می‌کند. به پیامبر عرض شد: «یا رسول الله! اگر [فردی] هر روز صد مرتبه به چهره پدر و مادرش از روی احترام و محبت نظاره کند باز هم این پاداش را دریافت خواهد کرد؟» فرمود: آری، اگر روزی صد هزار بار هم این کار را انجام دهد، [همین پاداش را دریافت خواهد کرد.]»

۴. بدست آوردن رضایت پدر و مادر

اویس قرنی از معدود یاران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد که در زهد و تقوی

به درجات بلندی نائل شد و بعد از تلاشهای فراوان در راه احیای دین و دفاع از ولایت مولای متقیان علی رضی الله عنه در جنگ صفین در رکاب آن حضرت به شهادت رسید و در منطقه صفین مدفون شد.

هنگامی که اویس در یمن بود، شتربانی می‌کرد و مادر پیری داشت که تحت تکفل او بود. او با اینکه علاقه شدیدی به وجود گرامی رسول الله صلی الله علیه و آله داشت، هیچ‌گاه نتوانست پیامبر را از نزدیک زیارت کرده و به نظاره آن سیمای ملکوتی بنشیند. در یکی از روزها که اشتیاق دیدار سرور کائنات در وجودش به شدت شعله‌ور گردید، از مادرش اجازه خواست تا به سرزمین حجاز آمده و حضرت رسول صلی الله علیه و آله را زیارت نماید، مادرش به او گفت: پسر من! به دیدار آن حضرت برو و هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه نبود، بیش از نصف روز در آنجا توقف نکن! اویس با زحمت فراوان فاصله بین یمن و مدینه را پیمود و به شهر پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، اما

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

کسی که به پدر و مادر خود خدمت کند و آنان را در آغوش پرمهر خانواده‌اش جای دهد و با چهره‌ای گشاده و بشاش با آنان رفتار نماید، برای هر نگاه محبت‌آمیزش ثواب حج نوشته می‌شود.

کشید و اشک در چشمانش حلقه زد، و در حالی که بغض گلویش را می‌فشرد، گفت: «افسوس! هزار افسوس! عمری برای او سوختم و عاقبت به دیدارش نرسیدم.»^۱

قدر و جاهی را که در اسلام دارا شد او پس از کمال طاعت و خدمت برای مادر است امر او را داد رجحان بر ملاقات نبی چون رضای مصطفی هم در رضای مادر است

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۵؛ الفضائل، ص ۱۰۷.

۲. پیامبر و یاران، ج ۱، ص ۳۴۵؛ حقوق متقابل والدین و فرزندان، ص ۲۲۸.

با کمال ناباوری شنید که: پیامبر ﷺ در شهر مدینه حضور ندارد.

چون بیش از نصف روز فرصت نداشت و به والاترین هدف خود که فیض حضور پیامبر ﷺ بود، نائل نشد، به مسلمانان حاضر در مدینه اظهار داشت: سلام مرا به حضرتش برسانید و بگوئید که مردی به نام اویس از یمن به زیارت شما آمده بود و چون از مادرش اجازه توقف بیشتری نداشت، با کمال ناراحتی به وطن خود مراجعت نمود.

بعد از مدتی، پیامبر ﷺ به خانه بازگشت و فرمود: «تَفْوُحُ زَوَائِحِ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ، وَاشْوَقَاءُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسَ الْقَرْنِيُّ، أَلَا وَمَنْ لَقِيَهُ فَلْيَقْرَئْهُ مِنْهُ السَّلَامُ؛ نسیم بهشتی از سوی منطقه قرن می‌وزد، آه! چه قدر به دیدار تو مشتاقم، ای اویس قرنی! [ای مسلمانان!] هر کس او را دید سلام مرا به او برساند.»

عبدی می‌گوید: پس از جستجوی زیاد به دیدار اویس قرنی رسیدم و به او گفتم: دلم می‌خواهد سخنی از رسول خدا ﷺ برایم نقل کنی. تا نام رسول خدا ﷺ را شنید، آهی عمیق

جمعه زیارت کند و در کنار مزار آنان
سوره یس بخواند، در مقابل هر حرفی
که از این سوره می خواند، خداوند
آمزشی نصیب او می فرماید.»

۲. قرائت قرآن

امام صادق علیه السلام به فرزندان صالح
توصیه فرمود که: «قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي
الْمُصْحَفِ تُخَفِّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ وَكُنُو
كُنَانًا كَافِرِينَ؟» قرائت قرآن از روی
مصحف، از عذاب پدر و مادر
می کاهد، گرچه آنان کافر باشند.»

۳. انجام اعمال نیک به نیت مادر

انجام اعمال نیک و هدیه ثواب آن
به مادر، در جلب رضایت وی و شادی
روحش تاثیر فراوان دارد. پیامبر
بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «سَيِّدُ الْاَبْرَارِ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرَّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا؟»
سرآمد و سرور ابرار در روز قیامت
کسی است که بعد از مرگ پدر و
مادرش برای ایشان احسان و نیکی
کند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد مقام بلند
و معنوی او یس فرمود: «يَدْخُلُ فِي
شَفَاعَتِهِ مِثْلُ رَبِيعَةَ وَمُضَرَ؛ افراد زیادی
مانند قبیله ربیعه و مضر به وسیله
شفاعت او یس وارد بهشت خواهند
شد.»

دعبل شاعر نامدار شیعی نیز با
تفاخر تمام به مقام شفاعت او یس
اشاره کرده و چنین سرود:
اویس ذوالشفاعة كان منا

فَيَوْمَ الْبَغْتِ نَحْنُ الشَّافِعُونَ

۵. پس از مرگ

از دیدگاه فرهنگ آسمانی اسلام
همچنان که فرزندان در حال حیات
مادر خود، حقوق وی را رعایت
می کنند، شایسته است پس از مرگ وی
نیز او را فراموش نکرده، با انجام اعمال
شایسته در تکریم او بکوشند. برخی از
این اعمال را می توان این گونه بیان
کرد:

۱. زیارت مزار مادر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرَ
وَالِدَيْهِ أَوْ أَحَدِهِمَا كَلَّ جُمَّعَةً فَقَرَأَ عِنْدَهُمَا يَسَ
عَفَرَ اللَّهُ لَهُ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا؛ هر کس قبر
پدر و مادرش یا یکی از آنها را در هر

۱. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۹۳.

۲. الکافی، باب قرائة القرآن فی المصحف،
حدیث ۱.

۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۴.